برنامه سمت خدا  
موضوع برنامه: هنر خوب زیستن  
كارشناس: حجت الاسلام والمسلمين لقمانی  
تاريخ پخش: 22-06-96  
بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین  
شریعتی: سلام می‌کنم به روی ماهتان، این پیروزی بسیار دلچسب و غرور آفرین تیم ملی والیبال کشورمان را تبریک می‌گویم. برای همه ورزشکاران‌مان در تمام عرصه‌های زندگی آرزوی موفقیت می‌کنیم. آقای دکتر لقمانی خدمت شما سلام عرض می‌کنم. خیلی خوش آمدید.  
حاج آقای لقمانی: بسم الله الرحمن الرحیم. بنده هم خدمت شما و همه بینندگان عزیز عرض سلام دارم. این پیروزی بسیار دلچسب را که آغاز و فتح الفتوح پیروزی‌های دیگر برای استکبار باشد را تبریک عرض می‌کنم.       
شریعتی: تبریک من و همکاران مرا به مناسبت این ایام نورانی که منور و مزین به نام امیرالمؤمنین علی(ع) هست پذیرا باشید. بحث امروز شما را می‌شنویم.  
حاج آقای لقمانی: امروز فراز سوم را می‌گویم که عرض کرد: یا رسول الله! می‌خواهم وضع مالی من خوب شود تا هنر خوب زیستن را پیدا کنم. پیامبر اولاً منع و نکوهش نکردند و راهکار دادند. چند چیز هست که تمام انسان‌ها از سه سالگی تا 103 سالگی شیفته و فریفته هستند. یکی آوازه و شهرت، یکی مقام و موقعیت و یکی مال و ثروت است. انسانی که عاقل هست دوست دارد دیده و شنیده شود. از نظر مالی، مال را مال می‌گویند چون انسان هرمقدار هم داشته باشد باز به آن میل دارد و تمایل دارد. فقیر را فقیر می‌گویند، چون ستون فقراتش از فقر شکسته است. واژه‌ها چقدر بار دارد. مسکین را مسکین می‌گویند بخاطر ناداری در مسکن، خانه نشین شده است. لذا مسکین بدتر از فقیر است. فقیر می‌تواند ولی مسکین نمی‌تواند.  
پیامبر دو راهکار دادند، اگر می‌خواهی مال تو افزایش پیدا کند یک کار کن. مؤمن باید تلاشگر باشد و زندگی خوب داشته باشد. لذا مستحب است مؤمن صبح زودتر سر کار برود و شب دیرتر بیاید و رفاه زن و بچه را بیشتر فراهم کند. می‌فرماید: طوری زندگی کنید که وقتی مردید، مردم نگویند: الحمدلله رب العالمین! بگویند: «انا لله و انا الیه راجعون» سخت و تنگ نگیرید. مخصوصاً عزیزانی که آغاز زندگی یک مقدار از مال دنیا چند تا دفترچه وام دارند. بعد زندگی یک مقدار گسترش پیدا می‌کند. وقتی یک مقدار وسعت پیدا کردید، شما هم وسعت بدهید. زن و بچه سختی نکشند.  
پیامبر فرمود: اگر می‌خواهی مال و دارایی‌ات افزایش پیدا کند، مالت را پاک کن! این قاعده بر خلاف تمام قوانین اقتصاد جهانی است. آنها می‌گویند: اضافه کن، اضافه کن! پیامبر می‌فرمایند: پاک کن! حضرت قسمت‌هایی که مربوط به شما نیست و برای فقرا هست را جدا کن. در آمد سالیانه را با آرامش خرج کن و هر مقدار اضافه آمد بیست درصد، یعنی یک پنجم را بده. چرا؟ چون بنابر منطق آموزه‌های دینی ما علاوه بر ثروت، برکت هم دارد. علاوه بر کمیت، کیفیت هم دارد. علاوه بر دنیا، آخرت و ابدیت هم دارد. من دو نکته را از قول پیامبر بگویم. این دیدگاهی که مؤمن باید فقیر باشد، نه! حضرت آقا، رهبر عزیز انقلاب فرمودند: تولید ثروت از علم برای کشور عظمت می‌آورد. مسلمان سرمایه‌دار باشد، کشور ثروتمند باشد. اما در مورد اول ستایش ثروت در آموزه‌های دینی است. پیامبر فرمود: وقتی مؤمن قوت خودش را داشته باشد، آرامش پیدا می‌کند حتی در عبادت. لذا جناب سلمان که هم ولایتی همه ما هست، فرمودند: اگر برای یک هفته غذا و طعام داشته باشم، خوب عبادت می‌کنم. تأثیر دارد. رئیس مذهب شیعه، امام جعفر صادق(ع) فرمود: مالت را حفظ کن که باعث پایداری دین تو می‌شود. «من لا معاش‏ له‏ لا معاد له‏» این قاعده است کسی که معاش ندارد، معاد ندارد. یکی از علت‌های عمده‌ی سرقت‌ها، خونریزی و قتل‌ها همین مسأله است. فقر است، متأسفانه گاهی فقر مادی به فقر فرهنگی هم می‌انجامد، چه بخواهیم، چه نخواهیم! ضرب المثل معروف هست که شکم گرسنه دین و ایمان ندارد، کاملاً درست است.  
من یک تحقیق کوتاهی در مورد یک ضرب المثل کردم که ریشه‌اش در روایات است. مالت را حفظ کن، چرا؟ چون باعث قوام دین تو می‌شود. لذا در آیات قرآن مال را به واژه خیر تعبیر می‌کند. خیلی عجیب است. یعنی ذات و جوهره مال به خودی خود هیچ مشکلی ندارد. این ما هستیم که در مسیر بد استفاده می‌کنیم. دنیایی که مذموم هست در سینه هست. حبّ، اسارت، بردگی، ولی دنیای بیرون نعمت خداوند است. کنار دریا برای مؤمن است. جاده باصفا برای مؤمن است چرا لذت نبرند؟ عبادت بکنند و لذت هم ببرند. «سِيرُوا فِي الْأَرْض‏» (انعام/11) در زمین بگردید و لذت ببرید ولی دل بسته مال و ثروت نباشید. «وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيد» (عادیات/8) قرآن می‌فرماید: انسان در نهاد و جوهره وجودش نسبت به مال شیفته و علاقه‌مند است. «خیر» در مورد وصیت می‌فرماید: «إِنْ تَرَكَ خَيْراً الْوَصِيَّة» (بقره/180) باز اینجا به مال تعبیر شده است. نشان می‌دهد مال در ذات خود خیلی خوب است.  
ثروتمندی را نزد حکیمی توصیف کردند. ایشان فرمود: نمی‌توانم بگویم خوب است یا بد است. باید ببینم دارایی‌اش را در چه راهی خرج می‌کند. صاحب نظران می‌گویند: پول بتی است که همه او را می‌پرستند ولی معبد ندارد. شیفتگی را نشان می‌دهد. مال بسیار خوب است و داشتن مال خوب است مخصوصاً برای انسان‌ باورمند، آرمان گرا و ارزش گرا و باعث می‌شود زندگی‌شان رشد پیدا کند. از آن طرف یک سلسله آموزه‌هایی داریم که نکوهش مال هست. در فراز سوم جمعش را می‌گوییم. پیامبر فرمودند: امت‌های قبل را، طلا و نقره، درهم و دینار، پول و دارایی هلاک کرد، شما امت من را هم عشق به مال هلاک می‌کند. دلبستگی به مال! امروز می‌گویند: نقطه ضعف! پیامبر فرمود: نقطه ضعف، پاشنه آشیل همین دلبستگی‌ها هست. درهم و دینار هست. این باعث می‌شود انسان آرام آرام سقوط کند. امام صادق فرمود: شیطان می‌گوید: من در هر چیزی که از افراد برای انحراف مأیوس شوم، در سه چیز مأیوس نمی‌شوم. اصلاً لازم به طناب نیست. 1- کسب مال از راه حرام است. من باید به هر قیمتی وضعم توپ توپ شود! پدر و پدربزرگ و اجداد رزقشان را از این زمین به دست می‌آوردند. بعضی هستند با شرکت‌های هرمی دوست دارند شش ماهه وضعشان خوب شود. زمین را می‌فروشد. فقیر می‌‌شود، خانواده اسیر می‌شود. چقدر طمع بد است! به جوانان توصیه می‌کنم برای پولدار شدن شتاب نکنید!  
یک جمله طلایی هست که می‌گوید: منتظران صبورانه منتظر زمان باش، هر چیز باید در زمان خودش رخ دهد. باغبان اگر درختان را غرق در آب هم بکند، هیچ درختی خارج از فصل میوه نمی‌دهد. این جمله شصت سال به انسان انرژی می‌دهد. بعضی از جوانان ما خیلی عجله دارند. باید منتظر فصل باشیم. باید شخص پخته شود. لذا افرادی که در کارهای اقتصادی پخته هستند، آرام هستند. خدا از انسان یک دل آرام می‌خواهد. هرچه انسان بزرگتر باشد، آرامتر است. بزرگترین اقیانوس جهان اقیانوس آرام است. کسانی که شتاب دارند از هر جایی وام می‌گیرند، همینطور همه را از بین می‌برد و فقیر می‌کند. امام صادق فرمود: شیطان می‌گوید: من بر سه چیز مسلط هستم. 1- کسب مال از راه حرام است. می‌گوید: من از راهی باید وضعم خوب شود.  
2- خرج مال در راه حرام؛ بعضی‌ها نزدیک محرم است، دورهمی شروع می‌‌شود. چرا اینقدر روضه خوانی، چرا اینقدر جلسه، خوب کسی که در این جلسات نمی‌آید و خرج نمی‌کند کجا خرج می‌کند؟ فلان جزایر می‌رود و هشتاد میلیون هزینه می‌کند. خوب در این راه خرج کن!   
3- من به راحتی افراد را از پرداخت خمس منع می‌کنم و حقوق واجب مادی؛ دلش نمی‌آید دل بکند. چرا باید بدهم؟ چون این با چرتکه بازاری‌ها حساب می‌کند. ولی امام جواد(ع) فرمود: من تضمین می‌کنم هرکس خمس داد، مدتی بعد در همین دنیا جایگزین شود. یک نفر به صورت شوخی از من پرسید: حاج آقا از راهکارهایی که شما بلد هستید و خمس نمی‌دهید یکی به ما بگویید؟ گفتم: اولاً من خمس می‌دهم. هرکسی با عشق و با میل خمس داده است شیفته خمس دادن هست. با خمس دادن چیزی از دست نمی‌رود و بلکه بدست می‌آید. رسول خدا هرزگاهی گوسفند قربانی می‌کردند و گوشتش را به یاد حضرت خدیجه به دوستان حضرت خدیجه می‌دادند. یک روز پیامبر سؤال کردند: چقدر از این قربانی مانده است؟ یک نفر گفت: یا رسول الله همه رفته است و این دو قسمت مانده است؟ نگاه زیبا این است، پیامبر فرمود: همه مانده است این دو قسمت که می‌خوریم رفته است. خمس هم همینطور است. کسی که مقید باشد آرامش پیدا می‌کند. ثانیاً می‌داند زندگی به دست دیگری است. دلها به دست مقلب القلوب است. گاهی برای نماز اول وقت مغازه را می‌بندد. ولی بعد یک فاکتور می‌نویسد همه جبران می‌شود. مقلب القلوب دیگری است.  
در فراز دوم نگوهش می‌شود. مورد اول ستایش و تشویق بود. این فرازی که می‌خوانم خیلی شنیدنی است. راهکارش چیست؟ راهکارش مدیریت است که انسان هم ثروت داشته باشد لذت ببرد، دنیا و آخرت هم داشته باشد. بعضی هستند فکر می‌کنند مؤمن باید فقیر باشد. اگر اینجا ثروتمند شد، آنجا فقیر است. در حالی که اینطور نیست. بسیاری هستند اینجا ثروتمند هستند، آن طرف هم ثروتمند هستند. بسیاری هستند اینجا فقیر هستند، آنجا فقیرتر هستند. بعضی هم برعکس هستند. «بسا امیر که آنجا اسیر می‌آید. بسا اسیر که آنجا امیر می‌آید» فرازی که می‌خواستم بگویم عنوانش این است: وقایع زندگی و حقایق زندگی! عوام و افراد سطحی نگر همیشه وقایع را نگاه می‌کند. فراز این است: 1- با پول می‌توان خانه خرید اما آرامش نه! بسیاری از خانه‌ها بزرگ و با شکوه هست اما توپخانه است. بعضی از خانه‌ها قهوه‌خانه هست. فقط یک نوشیدنی می‌خورند. بعضی از خانه‌ها، مسافر خانه هست. کنار هم نیستند. الفت نیست. مسکَن یعنی سکونت و آرامش، اینکه تک تک سلول‌های انسان لذت ببرد. چقدر این جملات از طلاق‌ها جلوگیری می‌کند. خانمی که تعریف می‌کند: شوهر خواهرم برای خواهرم در تولدش یک ماشین صفر خریده است. تو نمی‌توانی برایم بخری و من طلاق می‌گیرم!! فکر می‌کند همه در همین مسائل است. آنهایی که دل می‌سوزانند و آه طرف را درمی‌آورند بخاطر ثروت. نمی‌داند گاهی زندگی خاکستر می‌شود.  
یکی از دوستان ما یک برادری داشت خیلی ثروتمند بود. این را می‌گویم برای کسانی که زندگی‌شان یک اوجی پیدا کرده است، فکر نکنند تا آخر به همین صورت است. یکبار پرسیدم: از اخوی چه خبر؟ گفت: مگر نشنیدی خیلی وضعش خراب شده است؟ در کار ساختمان بود. من چندین بار تذکر دادم اینقدر ثروتت را به رخ نکش! اینقدر در ویترین نگذار. گوش نکرد. شب عروسی یکی از اقوام این آمد از جیبش تراول پنجاه هزارتومانی شاباش روی سر عروس می‌ریخت. گفت: یک خانمی از یک گوشه‌ای نگاه کرد و آه کشید. آه اسمی از اسماء خداوند است. دل شکست و اشک ریخته شد. خدایا اگر ما بنده تو هستیم و اینها چه هستند. اگر اینها بنده تو هستند پس ما چه هستیم؟ یک نگاهی هم به ما کن! شوهر من از کله سحر تا آخرشب پنجاه هزار تومان می‌گیرد!! انگار کاغذ روی سر اینها می‌ریزد! گفت: از آن روز به بعد ورق برگشت. ساختمان‌هایش را کسی نخرید. بدهی روی بدهی و وام روی وام! تا الآن 25 میلیارد تومان بدهکار است! به سی سال قبل برگشت و بدبخت تر شد.  
مال را کز بهر دین باشی حمول \*\*\* نعم مالٌ صالح خواندش رسول  
انسان بلد باشد. گوهر عقل اگر می‌تواند پول در بیاورد، ولی انسان عاقل می‌تواند حفظ کند. افراد پخته را دیدید. هیچوقت جلوی چشم دیگران پاکت‌های خرید را از ماشین بیرون نمی‌آورد. می‌گوید: شاید یک نفر نداشته باشد. مخصوصاً اگر نوبرانه خریدید به بچه ندهید در کوچه برود بخورد. شاید کسی نتواند بخرد. با پول می‌توان خانه خرید اما آرامش نه!  
2- با پول می‌توان رختخواب خرید ولی خواب نه! گاهی رختخواب خیلی نرم و خوب است ولی با قرص خوابش می‌رود. ولی بعضی هستند روی فرش بدون بالشت خوابشان می‌برد. همه چیز ثروت نیست.  
3- با پول می‌توان ساعت خرید ولی عمر نه! فرصت نه، ساعت‌هایی هست که شصت تا ماشین ایرانی را ردیف کنید پول ساعت مچی است. اما این بنده خدا فکر می‌کند با این ساعت دیگر اوج خوشبختی است. نه خبری نیست!  
4- با پول می‌توان مقام خرید ولی احترام نه! احترام چیز دیگری است. گاهی انسان مشهور هست ولی محبوب نیست. قهرمان هست ولی پهلوان نیست.   
من در مجتمع‌های غول پیکر اصفهان سخنرانی داشتم. هفده سال قبل مدیر داشته، هنوز به یادش هستند. ده مدیر دیگر آمده ولی محبوبیت مهم است. جایی سخنرانی داشتم از منبر پایین آمدم، گفتند: سخنرانی شما خوب بود ولی خدا رحمت کند حاج میرزا علی هسته‌ای اصفهان را! 54 سال قبل پای منبر ایشان بودم. مسأله و مطلبی را گفتند ماشاءالله! می‌توان مقام خرید ولی احترام نه! این نشان می‌دهد ظاهر زندگی چیز دیگری است. این وقایع است.      
حقایق چیست؟ آن مقداری که انسان به جای اینکه به روزهای زندگی خود اضافه کند، به زندگی روزهایش اضافه کند. به جای طول عمر، عرض عمر داشته باشد. وقتی عرض عمر داشته باشد گاهی تا چهل سال بیشتر زنده نمانده ولی برکاتش فوق العاده است. مرحوم شهید رجایی 27 روز دولتشان بود. ولی هرجا نام ایشان بود. خدا رحمتشان کند. امیرکبیر سه سال صدارت داشتند ولی چه برکاتی داشتند.   
شریعتی: با نکاتی که گفتید، احساس می‌کنم ما فقط با اعداد ماشین حساب خودمان نباید حساب و کتاب کنیم. یعنی یک چیزهای دیگری هم هست این وسط دخیل است و این نگاه آخرتی ما هست که به مال و زندگی ما جهت می‌دهد.  
حاج آقای لقمانی: بله، لذا می‌فرماید: مال مثل آتش برافروخته است. اگر از دور از حرارت آن استفاده کنی سرما نمی‌خوری. ولی اگر خواستی وارد شعله شوی، می‌سوزی. مثل زنبور عسل است، اگر بلد باشی از زنبور عسل استفاده کنی عسل می‌دهد ولی اگر بلد نباشی نیش می‌زند و فرار می‌کند. لذا می‌فرماید: دنیای منفور و مطرود دنیایی است که ما در سینه داریم. آن چیست؟ دلبستگی‌ها و وابستگی‌ها، تفاخرها، تجامل‌ها، فکر می‌کنیم اگر زندگی ما اینطور باشد در دل مردم جا می‌کنیم در حالی که اینطور نیست. اگر کسی نداند یک عمر اسیر می‌شود. امکانات رفاهی زندگی اول به عنوان خدمتکار وارد زندگی ما می‌شود. تلویزیون، مبلمان و غیره... ولی پس از چندی ارباب می‌شوند و ما خدمتکار هستیم. صبح تا شب گردگیری می‌کند. فقط نگهبان هست و لذت نمی‌برد. ولی بعضی هستند راحت هستند. بلد است چه کند. بعضی هستند بسیار ماهر در زندگی هستند. اینکه انسان ابزار را با اهداف اشتباه نکند. خدا نکند چنین باشد!  
شما چند سالت است؟ تا حالا چه کار کردی؟ هفده بار دماغم را عمل کردم. بعضی هم هستند که باعث ازدواج صد دختر و پسر شدند. یک ایرانی در آمریکا هرسال 850 بچه یتیم را کفالت می‌کند. بعضی می‌گویند: حاج آقا دارد. بله دارد، ولی آدم می‌تواند این پول را جای دیگر صرف کار دیگر بکند. نگاه که اصلاح شد زندگی در خدمت او خواهد بود. این خیلی مهم است. تمام انبیاء آمدند که به انسان بگویند: تو خیلی پست هستی.  
بنده و شما اگر روی این سطح بایستیم، من وقتی می‌خواهم شما را خطاب کنم، حتماً باید بگویم: آقای شریعتی کنار من بیا! ولی اگر کسی در دامنه یا قله باشد نمی‌گوید: «جِئنی» می‌گوید: «تعال» بیا! انبیاء و پیامبران آمدند، بالا بیایید! کوچک نباشید. اسیر کیف و کفش و مدل لباس نباشید. رینگ اسپرت و گوشی موبایل را رها کنید. آنوقت آزاد می‌شود.  
غلام همت آنم که زیر چرخ کبود \*\*\* ز هرچه رنگ تعلق پذیرد آزادم  
آنوقت این آزادی، آزادگی می‌آورد. انسان بزرگ می‌شود و قد می‌کشد. وقتی بزرگ شد از بالا به پایین نگاه می‌کند. اول وحی است و بعد عقل و احساس، آخر شکم و شهوت است. بعضی از پایین به بالا نگاه می‌کنند. آنها بیچاره هستند. صبح تا شب حرف شکم و حرف شهوت است. نوبت به عقل و وحی که اصلاً نمی‌رسد. انسان‌های وارونه! وقتی انسان توانست مستقیم باشد، آسمان را نگاه می‌کند. آنوقت تازه زندگی طعم دارد. هیچ لذتی برای افرادی که طعمش را چشیدند، بهتر از سحرهای مسجد النبی نیست. در روضه پیامبر این ستون توبه، جایی بوده که پیامبر هر روز صبح، شیعه می‌گوید: 120 روز، اهل سنت می‌گوید: چهل روز، در می‌زدند «السلام علیکم یا اهل البیت، إِنَّما يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ‏ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب/33) فاطمه زهرا و امیرالمؤمنین برای نماز شب بیدار می‌شدند. آدم که نگاه می‌کند انگار 1400 سال عمر پیدا کرده است. چه لذتی بالاتر از این است. انشاءالله خدا این لذت‌ها را به ما بچشاند. حلوای تن تنانی، تا نخوری ندانی!   
شریعتی: انشاءالله زیارت مدینه منوره و مکه منوره، شب‌ها و سحرهای مسجد الحرام، شب‌ها و سحرهای مسجد النبی و زیارت بقیع نورانی، خوش به حال همه کسانی که آنجا برنامه ما را می‌بینند. حتماً ما را دعا کنند و دعا گوی همه مخاطبین خوب ما باشند. امروز صفحه 76 قرآن کریم، آیات پایانی سوره آل ‌عمران را تلاوت خواهند کرد. انشاءالله لحظات زندگی همه ما منور به نور قرآن کریم و مزین به نام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب باشد که این روزهای ما ذی الحجه مزین و منور به نور ولایت ایشان است.  
«فَاسْتَجابَ‏ لَهُمْ‏ رَبُّهُمْ أَنِّي لا أُضِيعُ عَمَلَ عامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى‏ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هاجَرُوا وَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيارِهِمْ وَ أُوذُوا فِي سَبِيلِي وَ قاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئاتِهِمْ وَ لَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ ثَواباً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوابِ‏ «195» لا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلادِ «196» مَتاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمِهادُ «197» لكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدِينَ فِيها نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ ما عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرارِ «198» وَ إِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خاشِعِينَ لِلَّهِ لا يَشْتَرُونَ بِآياتِ اللَّهِ ثَمَناً قَلِيلًا أُولئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسابِ‏ «199» يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ‏ «200»  
ترجمه: پس پروردگارشان دعاى آنان را مستجاب كرد (و فرمود:) كه من عمل هيچ صاحب عملى از شما را، خواه مرد يا زن، (گرچه) همه از يكديگريد، تباه نمى‏كنم (و بى‏پاداش نمى‏گذارم). پس كسانى كه هجرت كرده واز خانه‏هايشان رانده شده و در راه من آزار و اذيّت ديده، جنگيده و كشته شدند، قطعاً من لغزش‏هايشان را مى‏پوشانم و در باغ‏هايى كه نهرها از زيرشان جارى است، واردشان مى‏كنم. (اين) پاداشى است از طرف خدا و پاداش نيكو تنها نزد خداست. رفت و آمد كفّار در شهرها تو را فريب ندهد. (بهره‏ى آنها از اين رفت و آمدها) متاع ناچيزى است، سپس جايگاه ابدى آنان جهنّم است كه بد جايگاهى است. لكن براى كسانى كه نسبت به پروردگارشان پروا داشته باشند، باغ‏هايى است كه نهرها از زير درختانش جارى است. آنان براى هميشه در آنجا هستند و اين پذيرايى (اوّليه) از جانب خداوند است و آنچه نزد خداست، براى نيكان بهتر است. و همانا بعضى از اهل كتاب، كسانى هستند كه به خداوند و آنچه به شما نازل شده و آنچه به خودشان نازل شده، خاشعانه ايمان مى‏آورند. آيات الهى را به بهاى اندك معامله نمى‏كنند. آنها هستند كه برايشان نزد پروردگارشان پاداش است. همانا خداوند سريع الحساب است. اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد! (در برابر مشكلات و هوسها) استقامت كنيد و (در برابر دشمنان نيز) پايدار باشيد (و ديگران را به صبر دعوت كنيد) و از مرزها مراقبت كنيد و از خداوند پروا داشته باشيد، شايد كه رستگار شويد.  
شریعتی: اشاره قرآنی امروز را بفرمایید.  
حاج آقای لقمانی: آیه 198 سوره آل عمران می‌فرماید: «لكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدِينَ فِيها نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ ما عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرارِ» تفاوت امور مادی و معنوی این است که امور مادی وصفش بهتر از خودش است. ولی امور معنوی مثل بهشت است. درخت‌هایی که از زیر نهرها جاری است،چطور می‌توان وصف کرد که بعد تصدیق کرد؟ لذا می‌فرماید: اینجا دیدنش بهتر از شنیدنش است! یک جمله که فوق العاده به ما انرژی مثبت می‌دهد برای امور عبادی این است. وقتی فرد بهشتی وارد بهشت شد، به دست راستش یک نامه‌ای می‌دهند. می‌خواند «من الحیّ القیوم الذی لا یموت الی الحیّ القیوم الذی لا یموت» مثل خداوند می‌شوی. از زنده و پایداری که هرگز نمی‌میرد به زنده و پایداری که هرگز نمی‌میرد. در دنیا به چند نفر بگوییم: چاکرم مخلصم! بهشتی نشسته و هوس هلو می‌کند. لازم نیست زحمت بکشد و بلند شود دستش را دراز کند. جناب درخت هلو خودش جلو می‌آید. این بهشتی فقط باید دهانش را باز کند «هلو! برو تو گلو!» منتهی اینها را بهاء می‌دهند نه به بهانه!  
به هوس کار برآید، به تمنا نشود \*\*\* چون در این راه بسی خون جگر باید خورد  
کسانی که به هرچه لذت‌های دنیا بوده و ممنوع بوده چشم گفته است. خوردنی‌ها، پوشیدنی‌ها، نوشیدنی‌ها را چشم گفته است. تا به این مرحله رسید راحت چشم می‌گوید. دیدید بعضی‌ها دکتر می‌رود، می‌گوید: این را هر چهار ساعت بخور. این را هر شش ساعت بخور. می‌گوید: چشم دکتر! ولی تا می‌آید می‌گوید: من باید فلسفه‌اش را بفهمم. اینجا باید فلسفه‌اش را بفهمد. اینجا خیلی مِن و مِن می‌کند. ولی آنجا می‌گوید: چشم! چرا؟ چون متخصص است. بنده تحقیق کردم 95 درص احکام فلسفه‌اش بیان شده و انسان باید برود پیدا کند.  
پزشک رفتیم می‌گوید: فردا آزمایش خون بده. سر شب یک غذایی بخور که فردا باید گرسنه و ناشتا برای آزمایش بروی. اگر بخواهیم در آزمایش‌های الهی جواب آزمایش ما نزد خداوند مناسب باشد، باید همیشه ناشتا باشیم. ناشتا برای دیدنی‌ها، تلگرام، سایت‌! ناشتا برای شنیدنی‌‌ها، از صبح تا شب در گوشی است. بابا حلالِ حلال است اما واجب که نیست. با این می‌خوابد، بلند می‌شود. غذا می‌خورد. خودش را می‌کشد! ناشتا از پوشیدنی‌ها، چون خداوند گفته: چشم! کلفت دارد و من مکلف هستم ولی می‌گویم: چشم! گفتنی‌ها، هر حرفی را نمی‌زنم. تا اینطور شد، انسان در بهشت می‌آید. «جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ» اینجا می‌گویم: گوارای وجودتان! نوش جانتان!  
شریعتی: انشاءالله به حق نبی مکرم اسلام و اهل بیت بزرگوارشان بهشت نصیب همه ما شود و دیدار ما تازه شود و آنجا همدیگر را ببینیم. قرار هست امروز از علامه بزرگوار، علامه امینی صاحب الغدیر شریف بشنویم که کتابی است که هرچقدر در موردش صحبت کنیم، کم است. قرار هست کتابی را معرفی کنیم که انشاءالله تهیه کنید. فهرستی از فضایل امیرالمؤمنین و نکاتی که علامه امینی در اثبات ولایت امیرالمؤمنین در الغدیر آوردند است. شما می‌توانید در دسترس داشته باشید و مطالعه کنید که باعث تحکیم و تقویت اعتقاد ما نسبت به ولایت حضرت شود، انشاءالله!  
حاج آقای لقمانی: یک داستانی از علامه امینی هست بسیار کارگشا و مفید و انرژی بخش برای انسان است. همه شنیده‌ایم که حضرت علی(ع) هرشب هزار رکعت نماز می‌خواندند. بعضی می‌‌گفتند: خیلی بعید است. هر رکعت نماز اگر این مقدار زمان ببرد چقدر می‌شود! یک شب علامه امینی(ره) در حرم آقا امیرالمؤمنین رفتند. گفتند: علی جان من آمدم امشب هزار رکعت نماز بخوانم. ایشان گفتند: من هزار رکعت را بدون مستحبات خواندم، سه ساعت و نیم طول کشید. نقل می‌کنند علامه امینی هروقت یاد و نام امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا می‌آمد نمی‌توانست جلوی گریه‌اش را بگیرد و بلند بلند گریه می‌کرد.  
ایشان به هندوستان برای تحقیق در مورد کتاب الغدیر رفته بودند. در 24ساعت، شانزده ساعت در کتابخانه بودند. وقتی برگشتند آیت الله خزعلی سؤال کردند: آب و هوای هند چطور بود؟ فرمودند: متوجه نشدم! نتیجه این می‌شود که یکی از روحانیون بغداد می‌گوید: من علامه را دیدم. سلام و احترام! گفتم: کجا تشریف می‌برید؟ گفتند: وزارت معارف بغداد! برای چه؟ کاغذ بگیرم. هشتصد بند کاغذ برای جلد یکی دو جلد از الغدیر. گفتند: من حرفی نزدم. ادب کردم. ولی می‌دانستم یک بند کاغذ هم در وزارت ما نیست. گفتم: التماس دعا و رفتم! فردا و پس فردا علامه را دیدم. گفتم: چه شد؟ گفتند: هر هشتصد بند را نوشتم. فرمودند: من غافل بودم، علامه شب با حضرت علی کارهایش را کرده است. خداوند ایشان را رحمت کند.  
شریعتی: دو کتاب هست که خلاصه شده است. الغدیر را در قالب نکات خیلی مفید و ارزنده درآورده است. یکی گزیده جامع الغدیر است. یکی هم «هزار نکته از الغدیر» است که جناب آقای رضا معراجی زحمت کشیدند و این کتاب را تدوین و تألیف کردند. شما می‌توانید هزار نکته کوتاه از الغدیر را در این جلد مطالعه کنید. کتاب بسیار مختصر و روانی است. خود الغدیر کتابی فنی و مفصل است. ادبیات این کتاب روان است. به کانال ما مراجعه کنید. دوستان به شما خواهند گفت که برای تهیه کتاب و تخفیف ویژه از چه شرایطی باید استفاده کنید. نکته پایانی را بفرمایید و دعا کنید.  
حاج آقای لقمانی: من از همه بینندگان تشکر می‌کنم، پیامک‌های عزیزان را خواندم. به پاس این زحمتی که دوستان کشیدند به قم که برگشتم، به زیارت حضرت معصومه می‌روم که امام جواد فرمودند: کسی که عمه‌ام را در قم با معرفت زیارت کند بهشت بر او واجب می‌شود. یک زیارت امین الله که سفارشی است برای همه عزیزان می‌خوانم. فرموده بودند ما دلمان می‌خواهد که در طول هفته باشید. یک کانالی هست «@بهشت بینش» سه دقیقه‌ای و پنج دقیقه‌ای است. انشاءالله ما خدمتشان هستیم. دست همه را می‌بوسم و به خاطر لطفی که داشتند صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.  
خدایا به حق محمد و آل محمد و به حق علامه امینی که نامشان برده شد همه ما را با ولایت امیرالمؤمنین زنده بدار. نسلی علوی نصیب ما بگردان. هرکس هر حاجتی دارد، به ویژه عزیزانی که فوق العاده جملات خاصی گفته بودند و حاجتمند هستند، دل همه را شاد بگردان به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.  
شریعتی: بهترین‌ها را برای شما آرزو می‌کنم.